

## حکومت نظامی را در هم می شکنیم!

امشب صحنه هایی در خیابان ها و کوچه های مرکزی تهران اتفاق افتاد که وقایعی نظیر ۱۷ شهریور ۵۷ و درگیری های خونین در ماه های منتهی به انقلاب بهمن، در مقابلش بازی کودکانه ای جلوه می کرد. شدت درگیری، تعداد زنان و مردانی که جان خود را به کف گرفته، در صف اول در برابر گله های مسلح وحشی ایستادگی می کردند و آنان را عقب می رانند، بی سابقه بود. رژیم اسلامی که از برخاستن موج بلند اعتراض مردم به وحشت افتاده است، با فراخوان خامنه ای حجت را با توده ها تمام کرد. اگر می خواهید ضعف و زبونی رژیم را ببینید به تته! حربه ای که می تواند به آن چنگ ببندازد نگاه کنید: نیروهای سرکوبگر و امنیتی فقط همین! توهمات فرو ریخته است؛ موعظه های فریبکارانه مذهبی و افسانه های امام زمانی دیگر این مردم عاصی را نمی فریبند؛ دروغ های رسانه ملی دیگر این توده به پا خاسته را خواب نمی کند؛ بر عکس نفرت و خشمش را صد چندان می کند. پس تنها چیزی که در دست باند تبهکار حاکم باقی مانده، تفنگ و چماق و گاز اشک آور و زنجیر است و گله های ضد شورش و انتظامی و بسیجی و پاسدار و نهایتاً ارتش.

هجوم وحشیانه ای که از عصر امروز بر جمعیت های پراکنده اما پر تعداد مردم آغاز شد، نه تنها به تظاهرات خاتمه نداد که آن را به نقاط مختلف تهران گسترش داد. یگان ضد شورش و بسیج از تاکتیک جدا جدا کردن جمعیت به گروه های کوچکتر و سپس محاصره و ضرب و شتم هر گروه استفاده کردند. این تاکتیک در آغاز ظاهراً موثر افتاد؛ اما طولی نکشید که توده های پراکنده شده دوباره در کوچه ها و خیابان های اطراف جمع شدند؛ و اینبار با روحیه و روشی که کاملاً با تظاهرات های چند روز گذشته تفاوت داشت. در این صحنه جنگ خیابانی که با ابری از گاز اشک آور پوشیده شده بود، شعار و فریاد، زمین و زمان را می لرزاند. و این بار شعارها مستقیماً حکومت اسلامی و رهبرش را نشانه گرفت: “مرگ بر جمهوری اسلامی! مرگ بر دیکتاتور! مرگ بر خامنه ای! دولت کودتا، استعفا استعفا!” جای چندانی برای الله اکبر گفتن نبود. جوانی در نیش یک کوچه، با اسپری آبی رنگ نوشت: “صدای انقلابمو شاه شنید! گوش جمارون کره!”

کف خیابان پر بود از لنگه کفش، کیف، موبایل و اشیاء دیگری که از تظاهر کنندگان بر جای مانده بود. کمی دورتر برای مقابله با تاثیر گاز اشک آور، جوانان هر زباله ای که در دسترس بود را به آتش کشیدند. جوانان با سنگ و چوب هر جا که توانستند نیروهای سرکوبگر را گوشمالی دادند. اما وحشیگری مزدوران حد و مرز نداشت. خون از سر و گردن می چکید؛ پیراهن ها پاره پاره بود؛ حجاب اجباری در آتش نبرد لغو شده بود و از روسری ها به عنوان نقاب استفاده می شد. مردمی که به انتظار تظاهرات آرام میلیونی هفته پیش، آرام آرام از محلات مختلف شهر به حوالی خیابان انقلاب و آزادی رسیده بودند، ناگهان خود را با میدان جنگ روبرو دیدند. بخشی از آنان که به شکل خانوادگی راهی تظاهرات شده بودند، در پیاده روها ایستادند و به صحنه های درگیری چشم دوختند. اما بلافاصله به عنوان “تجمع غیر قانونی” مورد حمله چماق و زنجیر و تسمه بسیج قرار گرفتند. خشونت ارتجاعی آن چنان فراگیر اعمال شد که اندیشه خشونت محفانه به سرعت در میان قشرها و تپ های گوناگونی که در خیابان حاضر شده بودند، جا باز کرد و به شکل شعار بر زبان ها جاری شد.

جوانان زیادی ربهوده شدند؛ تعداد دستگیری ها خیلی بالا بود؛ صدای آژیر آمبولانس ها قطع نمی شد؛ ماشین های آب پاش را به کار گرفته بودند؛ نوبت به شلیک گلوله هم رسید. ده ها هزار نفری که جنگ و گریز قهرمانانه اولیه را در محور انقلاب - آزادی به پیش برده بودند، زیر فشار تعداد زیاد قوای سرکوبگر که در سراسر مسیر تعیین شده برای تظاهرات و میدان ها و چهارراه های مهم تهران مستقر شده بودند، مجبور به متفرق شدن و عقب نشستن به محلات مختلف شدند.

حالا در تاریکی شب، گله های بسیجی به جنایات خود ادامه می دهند. در محله امیرآباد حداقل دو نفر کشته شده اند. تا کنون خبر از کشته شدن ۱۹ نفر است. با سیاست سرکوبگرانه ای که رژیم در پیش گرفته، حتماً تعداد کشته های امشب بسیار بیشتر از اینهاست. در مقابل، نمونه هایی از گوشمالی و مجازات جنایتکاران هم اتفاق افتاده است و مواردی از خلع سلاح نیروهای رژیم. امشب از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب تهران، حکومت نظامی برقرار است. ایست های بازرسی حتی تا ساعت ۱۱ شب، خودروها را وارسی می کردند و اینجا و آنجا جوانانی را که مشکوک تشخیص می دادند با خشونت بیرون می کشیدند و با خود به اسارتگاه های نامعلوم می بردند. امشب خیلی ها چشم بر هم نمی گذارند. خیلی ها به فردا فکر می کنند؛ به ادامه راه؛ به روش هایی که برای پیشبرد خیزش توده ها و به پیروزی رساندن آن باید در پیش گرفته شود؛ امروز در فرصت های محدود برای بحث و تبادل نظر حرف از لزوم اعتصاب گسترده و عمومی بود؛ بعضی ها می گفتند که بی اسلحه نمی شود کاری کرد. یک چیز روشن است: این رشته سر دراز دارد! مردم باید خود را

برای روزها و ماه های آتی آماده کنند؛ به شکل های مختلف در میدان بمانند. شعارهای خیزش باید عمیق تر و شفاف تر شود؛ و سطح مبارزه باید چنان ارتقا بیابد که قادر به کسب پیروزی شود.  
۳۰ خرداد ۸۸

آگاهی سیاسی خود را بالا ببریم! و به بحث در میان مردم وسیعاً دامن زنیم!  
از پیشروترین زنان و مردان جوان هر محله، کارخانه، دانشگاه هسته های انقلابی سازمان دهیم تا  
اطلاعیه های افشاگرانه و آگاه گرانه خود را در سطح وسیع در میان مردم پخش کنند و مردم را به فعالیتهای  
مبارزاتی گوناگون دعوت کنند!

حزب کمونیست ایران (مارکسیست – لنینیست – مائونیست)  
۳۰ خرداد ۱۳۸۸

[WWW.SARBEDARAN.ORG](http://WWW.SARBEDARAN.ORG)

در پخش گسترده اطلاعیه های حزب ما را یاری دهید!